

پتانسیل تجاری کشورهای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی

علیرضا شکیبایی

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه کبری بطا^۱

کارشناس ارشد اقتصاد

چکیده:

هدف اصلی این مقاله بررسی پتانسیل تجاری و تأثیر آن بر میزان افزایش تجارت دو جانبه بین کشورهای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی می‌باشد. بر این اساس مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که: آیا همکاری‌های تجاری اعضای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی می‌تواند به افزایش تجارت دو جانبه آن‌ها منجر شود؟ برای پاسخ به این سوال، از مدل جاذبه تعمیم یافته و برای تخمین آن از روش اقتصادسنجی با داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تولید ناخالص داخلی و فاصله جغرافیایی بین آنها تا حد زیادی همکاری‌های اقتصادی دو جانبه بین آن‌ها را توجیه می‌کند، که این می‌تواند زمینه‌ساز افزایش جریان‌های تجاری دو جانبه میان این کشورها باشد. نتایج برآورد، پتانسیل تجاری کشور ایران و یکپارچگی اقتصادی کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی در تجارت را مقدار ۶۱ درصد نشان می‌دهد و بیان می‌کند، که حجم جریان‌های تجاری دو جانبه میان آنها افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: پتانسیل تجاری، تجارت دو جانبه، آسیای جنوب غربی، مدل جاذبه تعمیم یافته.

طبقه‌بندی JEL: F۱۵، F۳۶

Mahs.bata@yahoo.com

نویسنده مسئول.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۶

Trade Potential for the Countries of the South West Asia Region Block

Alireza Shakibai

*Assistant Professor in Economics,
Bahonar University of Kerman*

Fatemeh Kobra Bata

M.Sc. in Economics

Abstract:

The main purpose of this paper is to investigate the trade potential and its effects on increasing bilateral trade between the South West Asia regions, countries. Therefore, this paper aims to answer this question that: Could trade cooperation the South West Asia region's countries led to increase bilateral trade? To answer this question, Generalized Gravity Model is used and it is estimated by Panel Data method. The results indicate that GDP and geographical distance as independent variables, justify economic cooperation between them, mostly. This can lead to an increase in bilateral trade cooperation between these countries. The results show that the trade potential of the Iranian economy and the integration to the other members of the South West Asia region countries as a ۶۱ percent in trade and also increase the value of bilateral trade flows between these countries.

Key words: Trade potential, Bilateral trade, South West Asia, Generalized Gravity Model.

JEL: F۱۵, F۳۶.

مقدمه:

جهانی شدن حرکتی دامنه دار و پویاست که همه جنبه های اقتصادی و سیاسی را در بر گرفته و یا در حال تأثیر گذاری بر آنهاست. جهانی شدن به عنوان روندی از دگرگونی، از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می رود و علم، فرهنگ و سبک زندگی را نیز در بر می گیرد. به بیان ساده، جهانی شدن به یکپارچگی اقتصاد جهانی اشاره دارد؛ به طوری که رویدادهای یک گوشه از جهان برای محیط اجتماعی - اقتصادی و شیوه زندگی افراد و جوامع در سایر نقاط جهان پیامدهایی دارد. در حقیقت جهانی شدن علاوه بر یکپارچگی اقتصادی یک جریان فراگیر فرهنگی و تکنولوژیکی است؛ به طور مثال سقوط واحد پول تایلند نه تنها باعث بیکاری میلیون ها نفر در آسیای جنوب شرقی و

جنوبی گردید، بلکه افت تقاضای جهانی در سرمایه‌گذاری اجتماعی در آمریکای لاتین و افزایش ناگهانی در هزینه داروهای وارداتی در آفریقا را در برداشت.

کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به عرصه‌های جهانی تجارت را ندارند، منطقه‌گرایی و تشکیل بلوک‌های منطقه‌ای می‌تواند راه مؤثری برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این قبیل کشورها و ادغام آنها در اقتصاد و تجارت جهانی باشد. در چارچوب چنین تشکل‌هایی، موانع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود. همچنین حذف موانع برای انتقال سرمایه و فناوری می‌تواند افق‌های گسترده‌تری برای اقتصاد این کشورها و بنگاه‌های اقتصادی آنها فراهم کند. به همین منظور در سال‌های اخیر، سازمان‌های منطقه‌ای متعددی تشکیل گردیده‌اند (Rahmani, ۲۰۰۶, pp.۲۱۶).

در قاره آسیا پیمان‌های همکاری اقتصادی - تجاری متعددی وجود دارد و همچنین پیمان‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است. در آسیا جمعاً ۱۲ پیمان همکاری منطقه‌ای در دوره‌های مختلف از دهه ۶۰ قرن بیستم به بعد تشکیل شده است و از این تعداد تنها دو پیمان منطقه‌ای مربوط به شرق و جنوب شرق آسیا اولی آ.سه. آن و دومی اجلاس سران شرق آسیاست که متشکل از سران کشورهای آ.سه. آن به علاوه کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا و نیوزلند است و در سال ۲۰۰۳ بنا نهاده شد و اکنون روسیه نیز عضو ناظر آن می‌باشد. ده پیمان منطقه‌ای دیگر مربوط به غرب، جنوب و آسیای جنوب غربی و منطقه یورو آسیاست که از ۲۵ کشور مورد نظر تشکیل شده است و یکی از اهداف ایران این است که آنها را تحت عنوان منطقه آسیای جنوب غربی گردهم آورد (Majedi, ۲۰۰۷, pp.۶۳).

منطقه آسیای جنوب غربی^۱ در گستره جغرافیایی حدود ۱۲ میلیون کیلومتر مربع شامل ۲۵ کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین اشغالی، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین با جمعیت حدود ۵۳۰ میلیون نفر که پنج حوزه ژئوپلتیک مهم جهان، شامل: آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه را در بر می‌گیرد و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و

۱ - سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

هند قرار دارد، با وجود پیشینه تاریخی - تمدنی چندین هزار ساله و اشتراکات فرهنگی تمدنی جهان و دارا بودن منابع عظیم طبیعی و انسانی، مزیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه‌ای استثنایی، کماکان از مناطق کم توسعه یافته جهان محسوب می‌شود و فاقد الگویی از همکاری‌های توسعه جمعی است.

با توجه به مطالب گفته شده و اینکه منطقه آسیای جنوب غربی دارای ظرفیت‌های اقتصادی قابل توجه و ویژگی‌های ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچری ویژه، کشورهایی با وسعت، جمعیت و تولید سرانه‌های متفاوت از قزاقستان با ۲۱۴۹۶۹۰ کیلومتر مربع تا بحرین ۶۵۵ کیلومتر مربع، پاکستان با جمعیت ۱۶۵ میلیون نفر، تا بحرین ۶۰۰ هزار نفر و تولید سرانه از ۲۷۰۰۰ دلار در امارات تا ۸۲۴ دلار در فلسطین را در خود جای داده است. ساختارهای سیاسی متنوع، اقوام، زبان‌ها و مذاهب گوناگون که عموماً مسلمان می‌باشند از ویژگی‌های این منطقه به شمار می‌آید. منابع عظیم نفت و گاز منطقه آسیای جنوب غربی (دو سوم منابع جهان) برجستگی خاصی را به این منطقه داده است. این منطقه به جهت حضور و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همواره از چالش‌ها و تنش‌های سیاسی و نظامی رنج برده و شرایط مساعد برای توسعه جمعی را نیافته است. در حالیکه اکثر مناطق جهان در قالب اتحادیه‌های اقتصادی توانسته‌اند الگوهایی از توسعه جمعی را تجربه کنند. این منطقه کماکان در فرآیند واگرایی سیر می‌کند. لذا آنچه قطعی است تلاش برای دستیابی به فضایی از همکاری برای توسعه این منطقه، امری محتوم و اجتناب‌ناپذیر است. لذا در این تحقیق با توجه به اهمیت این منطقه و شناخت پتانسیل‌های آن کوشش می‌شود به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱) آیا تشکیل بلوک منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از کشورهای ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قزاقستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین با موفقیت همراه خواهد بود؟

۲) آیا تشکیل این بلوک منطقه‌ای پتانسیل تجاری کشورهای عضو را افزایش خواهد داد؟
در این مقاله در بیان ادبیات موضوع مروری کوتاه بر نظریه همگرایی منطقه‌ای شده است و سپس در بخش دوم، برخی از شاخص‌های اقتصادی کلان کشورهای منطقه مورد مقایسه قرار گرفته است. برای برآورد پتانسیل تجاری دوجانبه می‌توان از مبانی یکپارچگی اقتصادی و مدل جاذبه یاری جست، که این مهم در بخش سوم و چهارم مقاله تحقق می‌یابد. بخش پنجم با برآورد

مدل جاذبه، تأثیر یکپارچگی اقتصادی کشورهای ایران و سایر کشورهای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی بر پتانسیل تجاری دوجانبه را مدنظر قرار می‌دهد. در بخش پایانی، نتیجه‌گیری مقاله و راهکارهای شفاف برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی عرضه می‌گردد.

ادبیات موضوع

همگرایی منطقه‌ای

اولین اقتصاددانی که آثار تشکلیات منطقه‌ای را مورد توجه قرار داد، اقتصاددان کانادایی ژاکوب واینر (Viner, ۱۹۵۰) بود که در مقاله مشهور خود «موضوع اتحادیه گمرکی» از منشور هاوانا تا سازمان منحل شده تجارت بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد. او در این مقاله نگرانی خود را در مورد این ترتیبات تجاری بیان داشت. تا قبل از این، تصور این بود که تجارت در قالب پیمان منطقه‌ای همانند تجارت آزاد بین کشورها به تخصیص مجدد منابع و افزایش رفاه منجر می‌شود، ولی نظریه واینر غلط بودن این عقیده را اثبات کرد. او نشان داد تجارت ترجیحی همیشه به افزایش رفاه منجر نمی‌شود، زیرا برقراری همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین دو یا چند کشور عامل بروز تغییراتی در الگوی تولید، الگوی مصرف (ناشی از تغییر قیمت واردات)، جریان‌های تجاری، رابطه مبادله، ترازپرداخت‌ها و نرخ رشد اقتصادی خواهد شد، اما این که چنین تجارتی به طور حتم باعث افزایش رفاه شود، محل تردید است. او در یک مدل تعادل جزئی (وجود سه کشور و یک کالا) نشان داد که اثرات رفاهی ناشی از تشکیل یکپارچگی به برآیند دو اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت^۱ بستگی دارد.

نظریه واینر توسط بسیاری از اقتصاددانان معاصر وی مورد انتقاد قرار گرفت و در مقابل نظریه واینر نظریه شرکای طبیعی، مطرح گردید. نظریه شرکای طبیعی بر مبنای برقراری حجم تجارت بالا در میان دو یا چند کشور با کمترین فاصله جغرافیایی تعریف می‌شود. بعضی از اقتصاددانان بر این باورند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای بدین لحاظ که بین چند کشور در یک منطقه جغرافیایی (طبیعی) برقرار می‌شود، منافعی بیش از انحرافشان است. از طرف دیگر کروگمن (Krugman, ۱۹۹۱). Paul, نیز این نظر را مورد بحث قرار داد که اگر چه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار

۱- Trade Creation & Trade Diversion Effects.

است ولی تحت تأثیر مسائلی از قبیل جغرافیا نیز قرار دارد و حذف فاصله جغرافیایی، هزینه‌های حمل و نقل را کاهش می‌دهد. از این رو همسایگان در گستره وسیعی با یکدیگر به دادوستد می‌پردازند و در صورت تشکیل ترتیبات منطقه‌ای انحراف تجاری بسیار اندک خواهد بود.

باگواتی (Bhagwati ۱۹۹۶, pp. ۸۲-۸۷) معتقد است که اقتصاددانان قبل از وی موضوع ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به صورت ایستا در نظر گرفته‌اند و اثرات پویای این ترتیبات که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع و یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجیده می‌شود، در نظر گرفته نشده است. باگوایت دو مفهوم بلوک‌های بازدارنده و بلوک‌های سازنده را مطرح می‌کند. این دو اصطلاح به مفاهیم انحراف تجارت و ایجاد تجارت واینر نزدیک است. طبق این نظریه، همگرایی منطقه‌ای می‌تواند به گسترش تجارت بین اعضا، افزایش رفاه اقتصادی کشورهای عضو، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس، بهبود رشد اقتصادی، افزایش کارایی فنی و... منجر گردد.

مطالعات تجربی

در ادامه مروری بر مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه منطقه‌گرایی و پتانسیل تجاری ناشی از آن می‌شود:

پرادومنا رانا (Pradumna Rana. ۲۰۰۷) همگرایی اقتصادی و همزمانی سیکل‌های تجاری در شرق آسیا را در حوزه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و پولی و مالی را با سه روش همبستگی ساده، روش VAR و روش رگرسیون چند متغیره یا همان پانل دیتا با استفاده از مدل جاذبه توضیح داد. او به این نتیجه رسید که همگرایی مالی و تجاری در این منطقه با وسعت کمتری افزایش یافته است و همچنین با همگرایی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و افزایش آن، همزمانی سیکل‌های تجاری بیشتر می‌شود.

ایندیرا و کارلوس (Indira and Carlos ۲۰۰۶) به بررسی تعیین جریان‌های تجاری اعضای افتا^۱ که شامل اثرات آن روی جریان تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای می‌باشد، پرداختند. تحلیل‌های اقتصادسنجی نشان می‌دهد که افتا سبب تحریف تجاری و جابجایی تجارت از

۱- AFTA: ASEAN Free Trade Area

کشورهای برون بلوک به کشورهای با کارایی کمتر درون بلوک می‌شود. در ضمن مشخص شد که کشورهای عرضه کننده و تقاضا کننده مکمل یکدیگر، بیشتر با یکدیگر تجارت دارند و همچنین ساختار مشابه صادرات بین کشورهای آسه آن^۱ اثر مثبت روی صادرات دو طرفه داشته است.

گوش و رائو (Ghosh & Rao ۲۰۰۵) اثرات پتانسیل اقتصادی اتحادیه گمرکی کانادا و آمریکا را بر کشورهای نفتا بررسی کردند. آن‌ها با فرض تعرفه‌های مشترک آمریکا و کانادا در مقابل کشورهای غیرنفتا به همراه حذف قوانین اصلی قید شده نفتا برای اتحادیه مشترک، نشان دادند که همه کشورهای عضو نفتا از این ترتیبات سود خواهند برد که بیشترین منفعت به مکزیک و سپس کانادا و آمریکا خواهد رسید.

فتحی (Fathi, ۲۰۰۶) به بررسی میزان اثربخشی ترتیبات تجاری منطقه‌ای در توسعه تجارت خارجی کشورهای اسلامی بر اساس شاخص مزیت نسبی آشکار شده پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از تجارت درون گروه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر پایه مزیت نسبی صادراتی بوده و صادرات کالاهای مزیت‌دار هم نسبت بالایی از تجارت بین کشورهای اسلامی را به خود اختصاص داده است.

زاغیان و عسگری (Zaghiyan & Asgari, ۲۰۰۶)، اثرات پیوستن ایران به موافقتنامه بانکوک بر صادرات غیرنفتی کشور را با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار شده ارزیابی کرده نشان دادند که پیوستن ایران به موافقتنامه بر صادرات غیرنفتی کشور اثر مثبت داشته است. و رشدی حدود ۶/۵ درصد در صادرات فصل‌های منتخب به اعضا در وضعیت موجود ایجاد می‌گردد.

مقایسه وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با برخی از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی

در این جا به بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران در کنار ۱۰ کشور مهم منطقه آسیای جنوب غربی (شامل: آذربایجان، مصر، قزاقستان، پاکستان، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحده عربی، ارمنستان و قطر) با توسل به بیش از ۸ شاخص اقتصادی و اجتماعی طی

۱- The Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

دهه‌ی گذشته می‌پردازیم. در این راستا، جمعیت، تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم مجموع صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی، جریان سرمایه-گذاری مستقیم خارجی، جمعیت زیر خط فقر و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در مورد این کشورها مورد مقایسه قرار گرفته است.

۱- جمعیت

در بین ۱۱ کشور مورد مقایسه پرجمعیت‌ترین کشورها به ترتیب پاکستان، ترکیه، مصر و ایران و کم جمعیت‌ترین کشورها به ترتیب قطر، امارات متحده عربی و آذربایجان می‌باشند. جمعیت کشورهای پاکستان، ترکیه، مصر و ایران در سال ۲۰۰۷، به ترتیب برابر با ۱۵۸/۲، ۷۳/۶، ۷۳/۶ و ۷۱/۰ میلیون نفر برآورد شده است. همچنین جمعیت کشورهای قطر، امارات متحده عربی و آذربایجان در سال ۲۰۰۷، به ترتیب برابر با ۰/۹، ۳/۵، ۴/۵ و ۸/۶ میلیون نفر برآورد شده است.^۱

جمعیت کشور ایران در حدود جمعیت مصر و ترکیه می‌باشد و این سه کشور از نظر تعداد جمعیت بسیار متشابه می‌باشند. جمعیت کشور عربستان سعودی در سال ۲۰۰۷ کمی بیشتر از $\frac{1}{3}$ جمعیت ایران و جمعیت کشور پاکستان در سال ۲۰۰۷، $\frac{2}{2}$ برابر جمعیت ایران برآورد شده است.

۲- تولید ناخالص داخلی (بر اساس قیمت‌های جاری دلار آمریکا)

در سال ۲۰۰۷ بیشترین تولید ناخالص داخلی که یکی از شاخص‌های نشان دهنده‌ی اندازه کشورها می‌باشد متعلق به کشور ترکیه برابر با ۴۸۲ میلیارد دلار برآورد شده است. بعد از ترکیه بزرگترین اندازه اقتصادها در سال ۲۰۰۷ مربوط به عربستان سعودی و ایران به ترتیب برابر با ۳۷۴/۵ و ۲۷۸/۱ میلیارد دلار برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه که از جمعیتی تقریباً برابر با ایران برخوردار است در سال ۲۰۰۳، $\frac{1}{8}$ برابر ایران بوده است و پس از گذشت ۴ سال در سال

۱- IMF (International Monetary Fund), World Economic Outlook Database, October ۲۰۰۷.

۲۰۰۷، ۱/۷ برابر ایران برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه در فاصله ۱۰ ساله ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۸، ۲/۶ برابر و در مورد ایران ۳/۳ برابر شده است.^۱

تلاش ایران در پی کم کردن فاصله نسبی با ترکیه اگرچه محدود ولی تحقق یافته است ولی فاصله مطلق ما با ترکیه به میلیارد دلار سیر فزاینده داشته است. ایران امکان دستیابی به اهداف توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با تغییرات محدود در ساختارها و سیاست‌ها نخواهد داشت و در این راستا تغییرات بنیادین برای اصلاح ساختارها، نهادها و سیاست‌ها مورد نیاز است. کوچکترین اقتصادها در سال ۲۰۰۷ در بین ۱۱ کشور مورد مطالعه به ترتیب متعلق به ارمنستان، آذربایجان و سوریه برآورد شده است. سوریه با جمعیتی برابر با ۱۹/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۷ از تولید ناخالص داخلی برابر با ۳۷/۴ میلیارد دلار برخوردار می‌باشد؛ در حالی که آذربایجان با جمعیتی کمتر از نصف سوریه در سال ۲۰۰۷ از تولید ناخالص داخلی برابر با ۳۱/۱ میلیارد دلار که بیش از ۰/۸ تولید ناخالص داخلی سوریه است برخوردار می‌باشد و برآورد می‌شود که تولید ناخالص داخلی آذربایجان در سال ۲۰۰۸ بیش از تولید ناخالص داخلی سوریه باشد و اگر روند زمانی این متغیر را در ۱۰ ساله گذشته ملاحظه کنیم، تلاش آذربایجان را در جهت بهبود وضعیت اقتصادی آن کشور نمایان می‌سازد. عربستان سعودی با جمعیتی در حدود ۱/۳ جمعیت ایران، از تولید ناخالص داخلی بیش از ۱/۳ برابر ایران برخوردار است.

۳- رشد اقتصادی

در سال ۲۰۰۷ بالاترین رشد اقتصادی در بین ۱۱ کشور مورد بررسی متعلق به کشورهای آذربایجان، قطر و ارمنستان به ترتیب برابر با ۲۹/۳، ۱۴/۲ و ۱۱/۱ درصد برآورد شده است. کمترین رشدهای اقتصادی در این سال مربوط به کشورهای سوریه، عربستان سعودی و ترکیه به ترتیب برابر با ۳/۹، ۴/۱ و ۵ برآورد شده است.^۲ البته لازم به ذکر است که هرچه ظرفیت‌های خالی اقتصاد بیشتر باشد، امکان رشدهای بالاتر به صورت بالقوه قابل تصور است.

۱- همان مأخذ.

۲- همان مأخذ.

رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۷ در بین ۱۱ کشور مورد بررسی از ۷ کشور کمتر و از ۳ کشور بیشتر بوده است که نشانگر توان بالقوه ایران برای دستیابی به رشدهای اقتصادی بالاتر می-باشد.

۴- تولید ناخالص داخلی سرانه

در سال ۲۰۰۷، بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه در بین ۱۱ کشور مورد بررسی متعلق به کشورهای قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و ترکیه به ترتیب برابر با ۷۰۷۵۴، ۴۲۲۷۵، ۱۵۴۱۶ و ۶۵۴۸ دلار برآورد شده است^۱. وضعیت ایران در مورد این متغیر مهم اقتصادی که یکی از شاخص‌های نشانگر وضعیت رفاهی کشورها می‌باشد که از ۵ کشور بدتر و از ۵ کشور بهتر می-باشد. تولید ناخالص داخلی سرانه ایران با جمعیتی تقریباً برابر با ترکیه در سال ۲۰۰۷، ۶۰ درصد ترکیه برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی سرانه آذربایجان در فاصله زمانی ۱۰ ساله ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۸، ۹/۵ برابر شده است. در این فاصله زمانی این متغیر در مورد ایران و ترکیه به ترتیب ۲/۸ برابر و ۲/۲ برابر شده است.

۵- سهم مجموع صادرات و واردات از تولید ناخالص داخلی

نسبت مجموع صادرات و واردات هر کشور به تولید ناخالص داخلی آن کشور یکی از شاخص‌های مهم نشانگر تعامل با دنیای خارج می‌باشد. وضعیت ایران از نظر این شاخص در سال ۲۰۰۵ در بین ۱۰ کشور مورد بررسی (اطلاعات سوریه در این سال موجود نبوده است)، از ۵ کشور آذربایجان، قزاقستان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر بدتر و از ۴ کشور مصر، پاکستان، ترکیه و ارمنستان بهتر بوده است. نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۵ برای کشورهای امارات متحده عربی، آذربایجان، قطر و قزاقستان به ترتیب ۱۷۰، ۱۱۶، ۱۰۱ و ۹۹ درصد بوده است. این نسبت برای کشورهای ترکیه، مصر، ارمنستان و ایران در سال ۲۰۰۵ به ترتیب برابر با ۶۱، ۶۳، ۶۷ و ۶۹ درصد بوده است. این شاخص در سال ۲۰۰۶ برای کشورهای آذربایجان، قزاقستان، مصر، ترکیه و ایران به ترتیب برابر با ۱۲۱، ۸۹، ۶۵، ۶۲ و ۵۷

درصد بوده است.^۱ این اطلاعات نشانگر این است که تعامل ما با دنیا از نظر این شاخص در بین کشورهای مورد مقایسه از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد.^۲

۶- جریان (Flow) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

از دیگر شاخص‌های نشانگر تعامل با دنیای خارج وضعیت جریان ورود و خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۰ متوسط ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران تنها ۴ میلیون دلار بوده است و این در حالی است که ترکیه در این فاصله زمانی به طور متوسط سالانه ۷۹۱ میلیون دلار ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است. در سال ۲۰۰۶ بیشترین ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مربوط به کشور ترکیه با ۲۰/۱ میلیارد دلار و عربستان سعودی با ۱۸/۳ میلیارد دلار بوده است. ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حتی در مصر و امارات متحده عربی و قزاقستان در سال ۲۰۰۶ به ترتیب برابر با ۱۰، ۸/۴ و ۶/۱ میلیارد دلار بوده است و این در حالی است که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران در سال ۲۰۰۶ حتی به ۱ میلیارد هم نرسیده است^۳ (۹۰۱ میلیون دلار).

۷- جمعیت زیر خط فقر

در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ در نزدیکترین سال به سال ۲۰۰۵ که اطلاعات آن موجود بوده است، کشور ترکیه ۱۸/۷ درصد جمعیت با درآمد زیر دو دلار در روز داشته است و این درصد برای ایران ۷/۳ درصد می‌باشد و از این نظر از وضعیت بهتری نسبت به ترکیه برخوردار بوده‌ایم^۴. وضعیت ایران از نقطه نظر این شاخص و در مورد کشورهای که اطلاعات آن موجود بوده است، بهتر از تمامی کشورهای پاکستان، مصر، ارمنستان و ترکیه گزارش شده است. متأسفانه

۱- World Development Indicators, ۲۰۰۷, ۲۰۰۶, ۲۰۰۵, ۲۰۰۴, ۲۰۰۳.

۲- آمار مربوط به سال ۲۰۰۶ ایران از گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی (سال ۱۳۸۵)، بانک مرکزی ج.ا.ا، آذر ۱۳۸۶ اخذ شده است.

۳- UNCTAD, World Investment Report, ۲۰۰۷.

۴- UNDP (United Nations Development Programme), Human Development Report

۲۰۰۷/۲۰۰۸, ۲۰۰۷.

بیش از ۷۰ درصد جمعیت پاکستان در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۵ که اطلاعات آن موجود بوده است، با درآمد کمتر از ۲ دلار در روز زندگی کرده‌اند.

۸- تشکیل سرمایه ناخالص به صورت درصدی از GDP

شاخص تشکیل سرمایه ناخالص به صورت درصدی از GDP نشانگر نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی کشورها می‌باشد. نتایج این شاخص نشانگر این است که در سال ۲۰۰۵ ایران بالنسبه از بالاترین نسبت سرمایه‌گذاری به GDP و برابر با ۳۳/۳ درصد برخوردار بوده است و تنها از کشورهای آذربایجان (۴۲ درصد) و قطر (۳۵/۵ درصد) از نظر این شاخص عقب‌تر بوده است؛ ولی متأسفانه این نسبت بالای سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در ایران نتوانسته منجر به رشد اقتصادی مورد انتظار در کشور گردد. رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۵ براساس آمار صندوق بین‌المللی پول ۴/۴ درصد و براساس آمار رسمی بانک مرکزی ۵/۷ درصد بوده است. در حالی که رشد اقتصادی در سال ۲۰۰۵ در کشورهای آذربایجان و قطر به ترتیب برابر با ۲۴/۳ درصد و ۹/۲ درصد بوده است^۱ و نشانگر این است که علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در کشور، این سرمایه‌گذاری‌ها نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی مورد انتظار در کشور گردد.

معرفی مدل

برای برآورد اثرات تشکیل یک بلوک اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی از مدل جاذبه تعمیم یافته استفاده شده است که با استفاده از روش اقتصادسنجی رگرسیون چند متغیر با داده‌های تابلویی محاسبه می‌شود. در این بین مدل‌های جاذبه ابزار تجربی مناسبی هستند که بطور گسترده در تجارت بین‌الملل برای توضیح جریان‌های تجاری، تعیین پتانسیل‌های تجاری دو جانبه، بررسی تأثیرات یکپارچگی بر تجارت دو جانبه و... به کار می‌روند. از فواید به کارگیری این مدل‌ها می‌توان به دسترسی آسان به داده‌های آماری مورد نیاز برای برآورد مدل اشاره کرد. همچنین فایده دیگر این است که پایه‌های نظری استفاده از این مدل‌ها در جریان‌های تجارت بین‌الملل مورد بحث قرار گرفته و توسعه یافته است.

۱- World Bank, Key Development Data & Statistics, January ۲۰۰۸.

نرم افزارهای مورد استفاده در این مطالعه Eviews و Excel می باشد. داده های مورد استفاده در این تحقیق از سایت های اینترنتی (UNCTAD)، شاخص های توسعه جهانی (WDI)، صندوق بین المللی پول (IMF)، نرم افزار بانک اطلاعاتی PC/TAS استفاده شده است. قلمرو مکانی تحقیق، آن گروه از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی می باشد که اطلاعاتشان در دسترس بوده، به همراه ۶ شریک تجاری عمده آنها یعنی فرانسه، آلمان، هند، چین، ژاپن و روسیه که انتخاب این کشورها براساس ارزیابی مقدار تجارتشان با کشورهای بلوک مورد نظر بوده است و قلمرو زمانی تحقیق ۲۰۰۶-۱۹۹۵ می باشد.

تصریح مدل

براساس پایه تئوریکی مدل های جاذبه، تجارت با اندازه اقتصادی کشورها رابطه مستقیم و با مسافت رابطه معکوس دارد بر این اساس معادله ای که می تواند توجیه کننده جریان تجارت دو جانبه برای کشورهای مورد نظر باشد، به صورت زیر قابل تصریح است:

$$LX_{ijt} = \beta_0 + \beta_1 LGDP_{it} + \beta_2 LGDP_{jt} + \beta_3 LPOP_{it} + \beta_4 LPOP_{jt} + \beta_5 LLIN_{ijt} + \beta_6 LD_{ij} + \beta_7 LTEX_{it} + \beta_8 DU_{ij} + U_{ijt}$$

L: اپراتور لگاریتم

X: صادرات کشور i به کشور j در زمان t

GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی واقعی کشور i در زمان t

GDP_{jt} : تولید ناخالص داخلی واقعی کشور j در زمان t

POP_i, POP_j : جمعیت کشورهای صادرکننده و واردکننده،

LIN_{ijt} : متغیر لیندر یا همان متغیر مشابهت که به صورت زیر تعریف می شود:

$$linder_{ijt} = \ln((yp_{it} - yp_{jt})^2)$$

که در آن yp_{it} و yp_{jt} به ترتیب، معرف تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی دو کشور i و j است.

D_{ij} : فاصله پایتخت کشور از کشور j بر حسب km

TEX_{ij} : کل صادرات کشور i در زمان t

DU_{ij} : متغیر مجازی همگرایی تجاری

U: عبارت خطا

بر اساس مبانی نظری مدل‌های جاذبه، فروض زیر مطرح می‌باشند:

انتظار داریم که علامت β_1, β_2 مثبت باشد. یعنی هر چقدر سطح توسعه بالاتر و کشور توسعه یافته‌تر باشد، روابط تجاری بیشتری بین آن‌ها برقرار خواهد بود. علامت β_3 و β_4 می‌تواند مثبت یا منفی باشد. علامت β_5 بر اساس فروض H-O باید مثبت ولی بر اساس فروض لیندر می‌تواند منفی باشد. علامت β_6 طبق انتظار تئوریک می‌بایست منفی باشد. زیرا هرچه کشورها از هم دورتر باشند، هزینه حمل کالا بین آن‌ها بیشتر و در نتیجه تجارت بین آن‌ها کمتر خواهد بود. علامت β_7 و β_8 باید مثبت باشد.

آزمون و برآورد مدل

آنچه که در قسمت‌های قبل به عنوان توضیح الگو و روش پژوهش بیان شد، در این قسمت مورد استفاده قرار گرفته، نتایج مربوط به بررسی همگرایی‌های موجود و مطلوب با عضویت قطعی و فرضی کشور ایران ارائه شده است. بر اساس آنچه که قبلاً گفته شد، هدف، انتخاب بهترین روش برای برآورد جریان‌های تجاری دوجانبه است که اثرات انفرادی مربوط به هر یک از کشورهای طرف تجاری را نیز در بر گیرد. به عبارت دیگر ارباب ناهمگنی را برطرف کند. برای این منظور نتایج تخمین، نتایج دو روش اثرات ثابت (FE) و اثرات تصادفی (RE) ارائه می‌شود و بر اساس آزمون هاسمن، روش مناسب انتخاب شده است. این پذیرش در سطح اطمینان ۰/۹۹ صورت می‌پذیرد.

همچنین به دلیل استفاده از داده‌های مقطعی در این مرحله و برطرف نمودن مشکل ناهمسانی واریانس‌ها، آزمون‌های مختلفی استفاده شده تا مشکلات مربوط به آن حل گردد.

جدول ۱- نتایج انتخاب الگو (آزمون F مقید و آزمون هاسمن)

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	p-value
F مقید	F	۲۴/۳۶۴۷۴۶	۰/۰۰۰۰
هاسمن	H	۱۶۵/۲۲۹۳۹	۰/۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در جدول (۲) برآورد مرحله اول مدل جاذبه‌ی تعمیم یافته به روش اثرات ثابت برای یکپارچگی کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی در دو ستون ارائه شده است، به طوری که ستون اول شامل نتایج مربوط به برآورد مدل بدون وارد کردن متغیرهای لیندر و صادرات کل است. ستون دوم به برآورد رابطه (۱) که متغیر مشابهت لیندر، صادرات و هم وارد مدل شده‌اند، می‌باشد.

جدول ۲- نتایج حاصل از برآورد مدل جاذبه تعمیم یافته

متغیر	FE	FE
β_0	-۱۰/۲۳ (-۷/۲۱)*	-۷/۰۰۷ (-۴/۵۷)*
GDP_i	۰/۱۶ (۲/۴۰)*	۰/۱۴ (۲/۲۰)*
GDP_j	۰/۷۳ (۲۶/۱۸)*	۰/۷۸ (۲۹/۳)*
POP_i	۸/۲۶ (۹/۹)*	۲/۹۰ (۲/۸)*
POP_j	-۰/۰۵ (-۲/۳)*	-۰/۰۳ (-۱/۷۳)**
TEX	-	۰/۹۰ (۹/۷۴)*
LIN	-	-۰/۰۴ (-۴/۷۸)*
D_{ij}	-۰/۸۸ (-۱۶/۰۶)*	-۰/۶۶ (-۱۲/۳۸)*
DU	۰/۴۷ (۹/۰۰۱)*	۰/۴۸ (۹/۱۳)*
تعداد مشاهدات	۲۷۷۹	۲۷۷۹
R^2	۰/۷۴	۰/۷۸
F	۳۶۴/۱	۳۸۹/۷

اعداد داخل پرانتز آماره t را نشان می‌دهند.

* معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد را نشان می‌دهد.

** معنی‌داری در سطح ۹۰ درصد را نشان می‌دهد.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل از آزمون هاسمن و آماره F ، می‌توان گفت که روش‌های اثرات ثابت و تصادفی قدرت توضیح دهنده‌گی بالا دارند و اثرات انفرادی را در نظر می‌گیرند، نتایج قابل اطمینانی را ارائه می‌دهند. با توجه به آزمون هاسمن نمی‌توان فرضیه صفر را مبنی بر سازگاری ضرایب پذیرفت، لذا روش اثرات ثابت نسبت به روش اثرات تصادفی به عنوان روش کارا تر انتخاب می‌شود. از طرف دیگر، اثرات بیشتر تولید ناخالص داخلی در روش دوم مقادیر بیشتری را نشان داده است. اما از نظر R^2 روش اثرات ثابت قدرت توضیح دهنده‌گی بیشتری را دارا بوده و این مسئله نیز، تأیید دیگری بر انتخاب این روش است.

در تخمین مورد پذیرش حدود ۷۸ درصد تغییرات متغیر وابسته (صادرات دوجانبه) توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود. نتایج حاصل از این برآورد نشان می‌دهد که ضریب متغیرهای تولید ناخالص داخلی (GDP) که بیانگر اندازه اقتصادی کشورها می‌باشد از لحاظ آماری معنی‌دار و دارای علامت لازم می‌باشد. متغیرهای تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهند که حجم تجارت دوجانبه به ازای افزایش یک درصد در GDP_i و GDP_j به ترتیب به میزان ۰/۱۴ و ۰/۷۸ درصد افزایش می‌یابد.

ضریب متغیر جمعیت (POP) کشورهای صادرکننده از لحاظ آماری در سطح ۰/۹۵ معنی‌دار بوده و دارای علامت مثبت می‌باشد. ضریب این متغیر برای جمعیت کشورهای صادرکننده عدد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد به طوری که یک درصد افزایش در جمعیت کشورهای صادرکننده حجم جریان تجارت دوجانبه‌ی آنها را به میزان ۲/۹ درصد افزایش می‌دهد، در حالی که ضریب این متغیر برای جمعیت کشورهای واردکننده ۰/۰۳- می‌باشد. ضریب منفی POP کشورهای واردکننده نشان می‌دهد که این کشورها با جمعیت بیشتر، تمایل کمتری به تجارت دوجانبه از خود نشان می‌دهند و بیشتر به فکر مصرف داخلی هستند.

همان‌طور که در جدول تخمینی بالا مشاهده می‌شود؛ متغیر مسافت در هر دو ستون از لحاظ آماری با علامت انتظاری منفی و معنی‌دار می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم مسافت یک عامل پایدار مهم برای جریان‌های تجارت ایران با شرکای خود می‌باشد ضریب متغیر مسافت به میزان ۰/۶۶ درصد نشان می‌دهد که کشورهای با فاصله بیشتر به تجارت دوجانبه‌ی کمتری تمایل نشان می‌دهند. به عبارت دیگر وجود هزینه‌های حمل و نقل مانع از همکاری‌های شدید اقتصادی است.

اضافه کردن متغیر لیندر برای بررسی اثرات مشابهت اقتصادی کشورهای عضو بر جریان تجارت نشان می‌دهد که این متغیر با توجه به هر دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از علامت لازم برخوردار بوده، اما از نظر آماری بی‌معنا می‌باشد. نتیجه مشخص می‌کند که تشابه اقتصادی کشورهای عضو نمی‌تواند بر حجم جریان‌های تجاری آنها مؤثر باشد. همچنین با اضافه شدن این متغیر مقدار R^2 هیچ تغییری نکرده است و قدرت توضیح‌دهندگی الگو به قوت خود باقی است. متغیر صادرات کل کشورهای صادرکننده (i) تأثیرات مناسبی را بر الگو خواهد گذاشت. به طوری که افزایش یک درصدی در صادرات کل کشورهای صادرکننده حجم دو جانبه‌ی آنها را به میزان ۰/۹ درصد افزایش می‌دهد. در ضمن قابل ذکر است که این متغیر در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار بوده و از علامت لازم برخوردار می‌باشد.

برطبق نتایج تحقیق، تشکیل بلوک منطقه آسیای جنوب غربی متشکل از کشورهای عضو احتمالی (جمهوری اسلامی ایران، عربستان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین اشغالی، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین) تجارت بین اعضا را افزایش می‌دهد. با فرض ثبات سایر شرایط، اگر کشورهای غیرعضو را به عنوان نماینده‌ای از سایر کشورهای جهان نیز در نظر بگیریم، می‌توانیم عنوان نمائیم که این بلوک ایجادکننده‌ی تجارت خواهد بود. لذا با شرایط مفروض در مدل، شرکت در چنین بلوک منطقه‌ای می‌تواند برای اهداف توسعه تجارت خارجی ایران مفید باشد.

تعاملات بین‌الملل و وابستگی اقتصادی شدیدی که امروزه میان کشورهای مختلف جهان مشاهده می‌شود، توانسته زنجیره‌های اتصال اقتصادهای ملی را بر پایه پارامترها و مؤلفه‌های اقتصادی نظیر بازارهای مالی و سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی، اندازه اقتصاد، اندازه بازار تجارت خارجی، تولید بین‌المللی و ... قرار دهد و زمینه یکپارچگی و ادغام اقتصادی را فراهم آورد. در این میان نقش یکپارچگی‌های اقتصادی، کاملاً روشن و حائز اهمیت است چرا که تمایل فزاینده به تشکیل یکپارچگی اقتصادی، منافع مختلفی را به همراه خواهد آورد که اقتصادهای ملی را در رسیدن به اهداف اقتصادی کمک می‌کند.

کشورهای عضو با توجه به ویژگی‌ها و شاخص‌های اقتصادی از یک سو و توانمندی‌های مزیت‌های نسبی و رقابتی از سوی دیگر می‌توانند با حضور در یکپارچگی اقتصادی آسیای جنوب غربی، منافع مختلفی را برای اقتصادهای ملی خود به همراه آورند. حضور در یکپارچگی اقتصادی

بلوک منطقه آسیای جنوب غربی می تواند پتانسیل تجاری کشورهای عضو را تا میزان ۶۱ درصد افزایش داده و اثرات ایستا و پویای تجارت را برای آن‌ها به ارمغان آورد. به عبارت دیگر پتانسیل تجاری یکپارچگی کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی می تواند به مقدار ۶۱ درصد توانایی تجارت دوجانبه ناشی از این یکپارچگی را نشان دهد.

یکپارچگی اقتصادی - منطقه‌ای می تواند اثرات مثبت زیادی بر جریان‌ات تجاری دوجانبه، رشد اقتصادی و رفاه جامعه داشته باشند و توان رقابتی کشورهای عضو را در بوت‌ه آزمایش قرار دهند و آن‌ها را در مقیاسی کوچک‌تر جهت رقابت جهانی آماده سازند و با بروز مزیت‌های نسبی کشورهای عضو، آن‌ها را در مباحث تجارت بین‌الملل کمک نمایند. در این مبحث حضور کشور ایران و سایر کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی در یکپارچگی اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و نتایج مناسبی را در مسیر تقویت پتانسیل تجاری حاصل نمود.

پیشنهادات

- با توجه به تأثیر متغیر اندازه بازار پیشنهاد می شود کشورهای مذکور اندازه بازار بزرگتری را برای خود فراهم آورند تا زمینه افزایش تجارت فراهم شود. این مساله منوط به گرو افزایش بیشتر GDP و کاهش رشد جمعیت است.

لذا، با توجه به نتایج مدل پیشنهاد می گردد، اگر قرار است که اعضای این هم‌پیوندی از بین کشورهای موجود در نمونه انتخاب شوند:

- برحسب ضریب متغیر تولید ناخالص داخلی واردکننده (۰/۷۸)، به نفع برای ایران است که با کشورهای تشکیلی همگرایی منطقه‌ای دهد که تولید ناخالص داخلی بیشتری دارند (امارات متحده عربی، عربستان، ترکیه، قزاقستان، اردن، عمان).

- برحسب ضریب متغیر فاصله (۰/۶۶) به نفع ایران است با کشورهای که نزدیک‌تر هستند (افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ارمنستان، آذربایجان، ترکیه، عراق، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عمان و...) تشکیلی منطقه‌ای داشته باشد و به طور عمومی تشکیلی این گروه طبق نتایج مدل و برقراری فروض مدل و ثبات شرایط توصیه می گردد.

منابع و مآخذ:

۱- Arnon, Arie & et.al. (۱۹۹۶) **The Potential for Trade between Israel, the**

- Palestinians and Jordan.** The World Economy, Vol. ۱۹, No. ۱, PP. ۱۱۳-۱۳۳.
- ۲- Azerbaijani, K. (۲۰۰۲). **Globalization, regional economic integration and its impact on the growth of the Caspian Sea littoral states and the Caucasus republics**, Journal of Economic Research, No. ۱۶۹, ۶۱-۱۴۹. (in Persian).
- ۳- ۲. Azerbaijani, K. Tayebi, K. and Karimi, H. (۲۰۰۲). **Determination of the most suitable for regional trade arrangements based on economic convergence criteria and globalization**, Journal of Economic Research, No. ۱۳, ۷۵-۱۰۷. (in Persian).
- ۴- Behkish, M. M. (۲۰۰۱). **Iran's economy in the context of globalization**, publishing reed, Tehran. (in Persian).
- ۵- Bhagwati, J., and A. Panagariya. (۱۹۹۶). **Preferential trading areas and multilateralism: Strangers, friend or foes?** Papers ۹۵۹۶-۰۴, Colombia-department of economics.
- ۶- Fathi, Y. (۲۰۰۶). **Evaluation of the effectiveness of regional trade arrangements in the foreign trade development in Islamic countries, based on comparative advantage**, Journal of Economic Research No. ۲۵, ۱۰۱-۱۲۳ (in Persian).
- ۷- Ghosh, M, Rao, S. (۲۰۰۵). **A Canada – US customs union: potential Economic impact in NAFTA countries.** Journal policy modeling.
- ۸- Gujarati, D. (۲۰۰۱). **Econometric principles**, translated by Hamid Abrishami, Volume II, Tehran University Press (in Persian).
- ۹- IMF (International Monetary Fund), World Economic Outlook Database, October ۲۰۰۷.
- ۱۰- Indira. m. Hapsari and carlos Mangun Sony. (۲۰۰۶). **Determinants of AFTA member's trade flows and potential for trade diversion**, Journal Asia-Pacific research and training network on trade working paper series, no ۲۱.
- ۱۱- Karimi Hsnjyh, H. (۲۰۰۷). **Commercial potential of agricultural products and the OIC member states**, Journal of Agricultural Economics, Volume I, No. ۲. P. ۱۴۱-۱۵۴ (in Persian).
- ۱۲- Krugman, p. (۱۹۹۱) **Increasing returns and economic geography**, Journal of political economy ۹۹(۳): ۴۸۳-۴۹۹.
- ۱۳- Majedi, AS (۲۰۰۷) **The role of regionalism in Southwest Asia globalization good**, book building conference proceedings to secure a future Southwest Asia, p. ۶۱-۸۹. (in Persian).
- ۱۴- Pradumna B. Rana (۲۰۰۷). **Economic integration and synchronization of business cycles in East Asia**, Journal of Asian Economics, Volume ۱۸, Issue ۵, October ۲۰۰۷, Pages ۷۱۱-۷۲۵.
- ۱۵- Rahmani, M. (۲۰۰۶). **Achievements of the regional trade bloc formation in central Asia**, Quarterly Journal of Commerce No. ۳۸, p. ۲۱۶-۲۳۶. (in Persian).
- ۱۶- UNCTAD, (۲۰۰۷) **World Investment Report**.
- ۱۷- UNDP (۲۰۰۷) **Human Development Report**, (United Nations Development Programme), ۲۰۰۷/۲۰۰۸.
- ۱۸- Viner, J (۱۹۵۰). **The customs union Issue**, (N. Y: Carnegi Endowment for International Peace).
- ۱۹- World Development Indicators, ۲۰۰۷, ۲۰۰۶, ۲۰۰۵, ۲۰۰۴, ۲۰۰۳.

- ۲۰-World Bank, Key (۲۰۰۸) **Development Data & Statistics**, January ...
- ۲۱-Zaghiyan.M and. Asgari, M. (۲۰۰۶). **Evaluation of the effects of accession to the Bangkok Agreement on non-oil exporting countries**, Quarterly Journal of Business No. ۳۸(in Persian).

Received: Sep ۲۶ ۲۰۱۰

Accepted: Jun ۱۶ ۲۰۱۰

